

بار مسئولیت

ماده ۲۷۲

بردوش

حسابداران رسمی



دکتر عباس هشی

عضو شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

اقلیت (تایید حسابرس مالیاتی) است. طبیعی است که نماینده‌ی سازمان نمی‌تواند به گزارشی که سازمان صادر کرده رأی منفی بدهد. متأسفانه این حق را به شرکای هر موسسه ندادند که همانند سازمان یکی دیگر از شرکا در جلسات حضور داشته باشند.

آرای نمایندگان جامعه متفاوت است، یک نفر تماماً اقلیت رای می‌دهد با ذکر توضیح، بعضاً زیر رای "طبق مقررات اقدام شود" امضا کرده‌اند. انتظار اعضای جامعه این است که از آن‌ها در جلسه دعوت شود. اما به دلیل کثرت پرونده‌ها و زمان محدود، اقدامات

۲۷۲ واقعیت است، اعتراض مؤدی نسبت به بخشنامه‌های صادره در دیوان عدالت رد شده و فعلاً این بخشنامه‌ها (که مغایر قانون هستند) حاکمیت دارد. اما چه کنیم که لازم‌الاجرا است.

البته انتقاد از نمایندگان جامعه در هیئت هماهنگی حق همه‌ی اعضا است. آن‌ها هم باید پاسخ‌گو باشند واقعیت آن است که در هیئت ۳ نفره، دو نفر از سازمان مالیاتی هستند و قانون و مقررات و بخشنامه‌ها را اجرا می‌کنند. این نماینده‌ی جامعه و یا سازمان حسابرسی صرفاً می‌توانند رأی اقلیت بدهند. رای نماینده‌ی سازمان عمدتاً

بسیاری از حسابداران رسمی، اشکالات ماده ۲۷۲ و موانع اجرایی آن را به انتقاد از شورای عالی جامعه، دبیرکل و اعضای هیئت هماهنگی معطوف می‌کنند. متأسفانه به واقعیت امر مبنی بر اعتراض‌های مکرر و مکاتبات مکرر گروه‌های در معرض انتقاد توجه نمی‌کنند. باید کمی انصاف داشت.

عموماً ابهامات کادر مالیاتی نسبت به موارد گزارش در مکاتبات مطرح می‌شود، پاسخ‌های واصله و موارد اختلاف نیز به هیئت ارجاع می‌شود. از نظر ما عمدتاً پاسخ حسابدار رسمی صحیح است اما آرا متفاوت است. ماده

جامعه را برای دعوت حسابداران رسمی در جلسه قبول نکردند. البته، همکاران حق دارند به این آرا و نماینده معترض باشند. باید این موارد اعتراض را به جامعه ارسال کنیم تا در کارگروه مالیاتی بررسی شود. تشکیل جلسات آیین نامه و ارسال مکاتبات قبل از ۲۴ ساعت برای عضو نظارت بر وصول به موقع پرونده‌ها،... وجود دارد اما به تمامی قابل اجرا نبوده است.

صدها پرونده‌ی حسابرسی مالیاتی را با همین جملات "طبق مقررات اقدام شود" به هیئت سه نفره فرستادند، عمده‌ی مؤدیان توانستند آرای حقه دریافت کنند، جامعه هم به موقع اعتراض را به ریاست سازمان امور مالیاتی ارائه کرد و با تجهیز نیرو این جلسات تبصره ماده ۹۷ برگزار شد.

پرسیده می‌شود چرا اعضای شورای عالی در هیئت هماهنگی هستند. البته، در هنگام راه‌اندازی این گونه صلاح دیده شد، اما در سال جاری مقرر شده که از خدمات اعضای واجد شرایط داوطلب نیز استفاده شود. گروهی به موضع جامعه نسبت به ماده ۲۷۲ معترض‌اند. گروهی نیز فکر می‌کنند حسابرسی مالیاتی برای آنها کار می‌آورد، در حالیکه واقعیت آن است که حسابرسی صورت‌های مالی خدمات اصلی ما است.

در شورا به این نتیجه رسیدیم که ماده ۲۷۲ به این شکل خنجری است در دست خودمان و لذا در اصلاحیه‌ی ماده ۲۷۲ متنی تهیه شد. گروهی مدعی نظرخواهی یا اعتراض حضوری و غیره می‌شوند؛ در حالی که در یکی از جلسات ماهانه‌ی اخیر، یک همکار محترم نامه اعتراض برای ۵ درصد مالیات مکسوره و ماده ۲۷۲ را جهت امضای اعضا تنظیم کرده بودند. از حاضران در جلسه، کم‌تر کسی ذیل آن نامه را امضا کرد! در شورا می‌گویند ما انتخاب

شده‌ایم به عنوان نماینده‌ی جامعه و این تشخیص را داده‌ایم. همه بر این عقیده هستند که مالیات حق حاکمیت است فقط در ۵ کشور دنیا ممیزی مالیاتی برون‌سپاری شده است؛ کشورهایی که نمی‌تواند الگویی برای ما قرار گیرند.

اعتراضات درباره‌ی ماده ۲۷۲ و نحوه‌ی اجرای آن به مقامات مختلف شده، اما مورد توجه قرار نگرفته است. پاسخ، ترکش‌های کوبنده از جمله تهدید به تغییر حسابرس و مانند آن بوده است. اعتراض برای گوینده تبعات دارد. پس بی‌انصافی نباید کرد و اقدامات اعضای جامعه را نادیده نباید گرفت.

بخش عمده‌ی گزارش‌های حسابرسی مالیاتی تهیه‌شده، اعم از اعضای جامعه و سازمان حسابرسی، توسط سازمان مالیاتی قبول نمی‌شود و آن‌ها مالیات مشتری را مطالبه می‌کنند. ادعای "مالیات چه شد" را به جامعه

نسبت می‌دهند و حسابدار رسمی را به انواع اتهام‌ها متهم می‌کنند. در این دعوا در نهایت مؤدی مالیات را به سازمان مالیاتی می‌پردازد. اعتراض این دو خاتمه می‌یابد اما با این مقوله (خسارات وجوه مالیاتی) جامعه را متهم می‌کنند و عملاً حسابرسی مالیاتی شمشیری برای خودکشی حسابداران رسمی شده است. پدیده‌ی حسابرس مالیاتی ریشه در سال ۱۳۴۸ دارد (مواد ۲۷۹-۲۷۵) و عملاً پذیرش گزارش حسابرس مالیاتی برای صدور برگ تشخیص منوط به بررسی گزارش توسط ممیز بود. در سال ۱۳۷۸ در تدوین آیین‌نامه تبصره ۴ ماده واحده سال ۱۳۷۲، برای پذیرش گزارش مالیاتی به نوعی متفاوت و بررسی نهایی توسط ممیز دیده است. چرا؟ زیرا، مسئولیت برگ تشخیص، با صادرکننده‌ی آن، یعنی ممیز مالیاتی، است.



قبول سازمان مالیاتی واقع نشده است. آمار نشان می‌دهد که کار شاغلان انفرادی کم‌تر از بقیه زیر سوال است. واقعیت آن است که بنگاه‌های فعال در اقتصاد زیرزمینی (۴۰-۶۰ درصد) دنبال یک گزارش حسابرسی با منظور خاص (وام، مالیات و غیره) هستند. طبق آمارهای منتشره‌ی اخیر هم که در شرکت غیرشفاف سود از خرید خارجی (کمسیون)، فروش (خارج از فاکتور) برد، اعتبارات اسنادی ریالی هم که در سال‌های اخیر به آن اضافه شده است. این درآمدهای پنهان هم برای حسابرسی به‌سختی قابل شناسایی است. سوال که از حاضرین محترم مطرح می‌شود: آیا در مورد حسابرسی مالیاتی که ابزار سوءاستفاده‌ی این فعالان قرار گیرد و ریسک بزرگ این تخلف‌ها وجود دارد؟ آیا پذیرش ریسک توسط اعضای جامعه صحیح است؟ در اختلاف بین مؤدی و کادر مالیاتی، در پایان با هم توافق می‌کنند (چون مؤدی به مفاسد حساب نیاز دارد) و بدنامی آن برای حسابرس مالیاتی می‌ماند.

نگرانی برخی همکاران از بی‌کار شدن بی‌مورد است. فرصت کار حسابرسی و خدمات فراوان است و قطعاً با کارآفرینی کسب درآمد می‌کنند. دست آخر می‌توانیم به‌عنوان نیروی دست دوم سازمان حسابرسی کار کنیم! که با اساسنامه‌ی جدید جامعه، مشکل اساسنامه‌ای هم رفع شد؟! (اساسنامه‌ای که در مغایرت با اصل ۴۴ و کاهش تصدی‌گری دولت است)

پس نتیجه‌ی آخر این که: هر وقت نسبت به کسی اعتراض می‌کنیم فرصت بدهیم طرف مقابل هم حرف بزند. بهتر است این انتقادات را با هدف اصلاح امور بگوییم، نه آن که وسیله‌ای باشد برای تبلیغ در انتخابات.



حسابداران رسمی از ۲۲ درصد سال ۱۳۸۳ تا ۶۲ درصد رسیده است. شورای محترم انقلاب در سال ۱۳۵۸ ماده ۲۷۹-۲۷۵ لغو کرد و همه را با یک چوب زدند. در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ برخی از ممیزان و با تعداد محدودی حسابدار رسمی همکاری داشتند و همین امر موجب فساد در کار بود. از سال‌های پیش استفاده از خدمات حسابرسان در چهارچوب یک قانون جامع و کامل در دستور کار بود. با تلاش برخی از همکاران و پیش‌کسوتان حرفه و نیز هیئت عامل سازمان حسابرسی، نتیجه‌ی کار منجر به استفاده از خدمات اشخاص حقیقی در سازمان (۶۸) و قانون ماده واحده سال ۱۳۷۲ شد. در سال ۱۳۸۷، از گزارش‌های سازمان حسابرسی - مؤسسات حسابرسی و شاغل انفرادی به ترتیب ۴۸ درصد، ۳۹ درصد و ۲۳ درصد مورد

ماده ۲۷۲ ق.م.م. سال ۱۳۸۰ به شکل موجود با یک تبصره (برای بررسی کادر مالیاتی) دیده شد اما شورای نگهبان تبصره را لغو کرد، تغییر در ماده ۲۷۲ در آخرین لحظات رخ داد و سایر مواد قبلی را متناسب با آن تغییر ندادند. مسئولیت صدور برگ تشخیص با ممیز است و همچنین براساس ماده ۲۱۶ وظیفه‌ی تشخیص با سازمان مالیاتی است.

سازمان مالیاتی هم با استناد به همین ماده گزارش مالیاتی را قبول نکردند. به محض خروج آقای مهندس مظاهری و آقای خجسته عدم پذیرش گزارش حسابرسی مالیاتی را شروع کردند. سال ۱۳۸۴ هم گزارش ابهام ۱۴۱ میلیارد تومان مطرح شد. رد برخی از گزارش‌های حسابرس مالیاتی سازمان و جامعه باهم شروع شد سازمان حسابرسی از ۲۴ درصد پرونده سال ۱۳۸۳ الی ۴۸ درصد سال ۱۳۸۷ و اعضای جامعه